

The Relationship between Emotional Intelligence and the Three Theological Attitudes towards the Problem of Evil

✉ **Fahimeh Shariati**  / Associate Professor, Department of Islamic Ma'aref, Faculty of Theology, Mashhad Ferdowsi University shariati-f@um.ac.ir
Kobri Afshar / M.A. in Psychology and Religion, Mashhad Ferdowsi University, nafise
Received: 2023/07/03 - **Accepted:** 2023/11/08 afshar66@gmail.com

Abstract

Opinions based on three perspectives have been given by theologians regarding the reason for the existence of evil in the world. The main goal of this research is to investigate the effectiveness or positive impact of believing in each of these types of attitudes in life. For this purpose, the emotional intelligence of individuals in three belief groups has been measured on the problem of evil. The stance of these people was measured through interviews. In this study, the correlation method was used in a causal-comparative design, and the research sample was selected using a non-probability and accessible method, with a total of 72 people. The data were analyzed using the Kruskal-Wallis statistical analysis method, and the results showed that there was a significant difference ($P < 0.01$, $X^2(2) = 21.9$) between the emotional intelligence of the three belief groups in the problem of evil. The average rank of the first group is 39.52, the second group has an average rank of 39.89, and the third group has an average rank of 27.63. The type of attitude towards evil is one of the factors related to emotional intelligence. Therefore, the results of this study can indicate the context and direction of future research, in which more extensive research should be conducted to more accurately identify each group that believes in evil in terms of emotional intelligence, so that an attitude can be considered and emphasized that increases the individual's ability to adapt to environmental requirements and resulting pressure.

Keywords: evil, emotional intelligence, attitude, religious belief



رابطه هوش هیجانی با نگرش‌های سه گانه کلامی نسبت به مسئله شر

shariati-f@um.ac.ir

nafiseafshar66@gmail.com

کف فهیمة شریعتی  / دانشیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

کبری افشار / کارشناسی ارشد روان‌شناسی و دین دانشگاه فردوسی مشهد

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷

چکیده

نظرات مبتنی بر نگرش‌های سه‌گانه درباره دلیل وجود شرور در جهان توسط متکلمان داده شده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی کارآمدی یا تأثیر مثبت اعتقاد به هر یک از این نوع نگرش‌ها در زندگی است. به این منظور هوش هیجانی افراد در گروه‌های اعتقادی سه‌گانه به مسئله شر اندازه‌گیری شده است. موضع‌گیری این افراد توسط مصاحبه سنجیده شده است. در این پژوهش از روش همبستگی در طرح علی - مقایسه‌ای استفاده شده است و نمونه پژوهش به روش غیراحتمالی و در دسترس به تعداد ۷۲ نفر انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسش‌نامه هوش هیجانی بار - آن بودند. داده‌ها با روش تحلیل آماری کراسکال - والیس تحلیل شدند و نتایج نشان داد تفاوت معناداری ($P < 0.01$, $\chi^2(2) = 9.21$) بین هوش هیجانی سه گروه اعتقادی به مسئله شر وجود دارد. میانگین رتبه گروه اول ۳۹/۵۲ و گروه دوم با میانگین رتبه ۳۹/۸۹ و گروه سوم با میانگین رتبه ۲۷/۶۳ می‌باشد. نوع نگرش به شرور به عنوان یکی از علل مرتبط بر هوش هیجانی می‌باشد. پس نتایج این پژوهش می‌تواند زمینه و جهت پژوهش‌های بعدی را نشان دهد که پژوهش‌های گسترده‌تر برای شناسایی دقیق‌تر هر گروه معتقد به شر از نظر هوش هیجانی انجام شود، تا نگرشی مورد توجه و تأکید قرار گیرد که توانایی فرد در سازگاری با مقتضیات محیطی و فشار حاصله را افزایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: شر، هوش هیجانی، نگرش، اعتقاد دینی.

در سال ۱۹۸۰ دو روان‌شناس به نام‌های پیترو سالووی و جان مهیر مطالعاتی راجع به ویژگی‌های کیفی انسان‌ها؛ همانند همدلی، کنترل هیجان و عواطف انجام دادند که بعداً مجموعه این مفاهیم تحت عنوان هوش هیجانی مطرح شد. بارون هوش هیجانی را آرایشی از استعداد‌های غیرشناختی، قابلیت‌ها و مهارت‌هایی می‌داند که توانایی فرد در سازگاری با مقتضیات محیطی و فشار حاصله را افزایش می‌دهد. هوش هیجانی دارای پنج مؤلفه درون‌فردی، بین‌فردی، مدیریت استرس، سازگاری و خلق‌وخوی عمومی است (آقایار و شریفی درآمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۲-۳۴). هوش هیجانی یکی از تأثیرگذارترین انواع هوش برای بهبود بخشیدن و موفقیت در زندگی است. شواهد نشان‌دهنده آن است که اگر می‌خواهیم کودکانی تربیت کنیم که در خانواده، محل کار و جامعه افرادی کارآمد، توانمند و برخوردار از سلامت روانی و جسمانی باشند، باید به آموزش هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی - عاطفی آنها اهمیت داده شود.

خصوصیات افراد دارنده هوش هیجانی بالا:

افراد با ویژگی‌های هوش هیجانی دارای توانایی‌هایی هستند؛ مانند اینکه بتوانند انگیزه خود را حفظ کنند و در مقابل ناملایمات پایداری نمایند. تکانش‌های خود را کنترل کنند و کامیابی را به تعویق بیندازند، حالات روحی خود را تنظیم کنند و نگذارند پریشانی خاطر قدرت تفکر را خدشه‌دار کند، با دیگران همدلی کرده و امیدوار باشند، کسانی که احساسات خود را به‌خوبی می‌شناسند و هدایت می‌کنند و احساسات دیگران را نیز درک و به طرز اثربخشی با آن برخورد می‌کنند، در هر حیطه‌ای از زندگی ممتازند؛ خواه در روابط عاطفی و صمیمی، خواه در فهم قواعد ناگفته‌ای که در خط‌مشی سازمانی به پیشرفت می‌انجامند، افرادی که مهارت‌های عاطفی‌شان به‌خوبی رشد یافته، در زندگی خویش نیز خرسند و کارآمدند و عاداتی فکری را در اختیار دارند که موجب می‌شود آنها افرادی مولد و کارآمد باشند (فتی و دیگران، ۱۳۷۸). در پژوهش‌های پیشین بین هوش هیجانی و جهت‌گیری مذهبی و اعتقادی ارتباط معناداری نتیجه‌گیری شده است (صیادی تورانلو و دیگران، ۱۳۸۶)؛ ویژگی‌هایی همچون انعطاف‌پذیری، تحمل استرس، مسئولیت‌پذیری و پشتکار همگی با هوش هیجانی تعریف می‌شوند که در باورهای دینی مورد تأکید قرار گرفته و می‌تواند توسط آن بارور شود. با مراجعه به متون وحیانی شیوه‌های باروری هوش هیجانی به‌ویژه پذیرش درد و رنج را به سهولت می‌توان دریافت (کریمی، ۱۳۹۳). با توجه به اینکه پذیرش درد و رنج برای ارتقا و تقویت هوش هیجانی در پژوهش‌ها تأیید شده است (کریمی، ۱۳۹۳) و علاوه بر این بین هوش هیجانی و اعتقادات مذهبی ارتباط معنادار وجود دارد (صیادی تورانلو و دیگران، ۱۳۸۶)؛ پس نوع نگرش، اعتقاد و ادراک نسبت به آفات، معضلات و مشکلات موجود در زندگی یک فرد که تحت عنوان شرور نام برده می‌شود و پدیده‌های درد و رنج‌آور هستند (هیک، ۱۹۹۰)، احتمالاً می‌توانند هوش هیجانی را در درجات متفاوتی از شدت و ضعف قرار دهند. یکی از بارزترین شرور طبیعی، خلقت ناقص و معلولیت‌های مادرزادی می‌باشد که رنج و درد زیادی به همراه دارد؛ زیرا بیماری‌ها و مشکلات جسمی و ذهنی را می‌توان جزء شرور دانست (هیک، ۱۹۹۰). شر در مقابل خیر به معنای بدی می‌باشد. شر به درد و رنج‌های

جسمی و روحی و شرارت‌های اخلاقی گفته می‌شود (هیگ، ۱۹۹۰). بدی اخلاقی نوعی بدی است که انسان موجب آن است و بدی طبیعی نوعی بدی است که مستقل از اعمال انسانی باشد مانند بیماری (هیگ، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر، برخی از شرور زائیده دست بشرند، این دسته یا اجتماعی‌اند مانند شر ناشی از جنگ و بی‌عدالتی و یا فردی مانند شر ناشی از رذایل و بدی‌های اخلاق فرد؛ برخی دیگر شرور طبیعی هستند. صدرالمتألهین در شرح اصول کافی اقسام شرور را به امور عمدی مانند عدم سلامتی، شر ادراکی مانند ترس، شرور اخلاقی و مبادی شرور اخلاقی تقسیم کرده‌اند (صدرالمتألهین، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۱). همواره یکی از پرسش‌های دیرین بشر در مسائل اعتقادی سؤال از علت و چرایی وجود پدیده‌های درد و رنج‌آور بوده است. این مسئله در کنار اعتقادات خداشناسانه به خصوص باور به برخی اوصاف الهی نقش مهم‌تری می‌یابد، به طوری که یکی از قدیم‌ترین قرائن که توسط ملحدین ارائه شده است، ناسازگاری وجود شر با وجود خدای خیر محض بوده است. بنابراین جهان‌بینی هر فرد در ارتباط مستقیم با نوع پاسخ به چرایی و دلیل وجود شر، سختی و بدی می‌باشد. مسئله شر همواره دستاویزی برای منتقدان الهیات بوده است؛ برخی وجود شرور را با اعتقاد به خدا ناسازگار می‌دانند؛ چون نمی‌توان از یک سو به وجود شرور و از سوی دیگر به وجود خدایی قادر مطلق و خیر محض اعتقاد داشت. مکی معتقد است برخی اجزای نظریه کلامی با قسمت‌های دیگرش سازگاری ندارد؛ برخی نیز به دنبال بیان ناسازگاری بین مدعیات دینی نیستند، بلکه از نظر آنان مدعیات دینی اصلاً پذیرفتنی نمی‌باشند. برخی فیلسوفان مانند ویلیام راو به شیوه‌های مختلف به تقریر مسئله شر به عنوان دلیلی علیه وجود خدا پرداخته‌اند (راو، ۱۹۷۹). این مسئله به قدری فکر بشر را به خود مشغول کرده است که برخی از فلسفه‌ها و اندیشه‌ها مانند تفکرات بودا بر محوریت این مسئله نهاده شده است. مهم‌ترین پاسخ‌ها به مسئله شر را می‌توان در چند دسته جای داد که مبنای گروه‌بندی نمونه آماری است:

الف) آنها که وجود شر را انکار می‌کنند اعم از اینکه آن را عدمی، نسبی، وهمی و یا قلیل می‌پندارند. نبودن خیرات به معنی شرور است و به خودی خود شری وجود ندارد؛

ب) آنها که وجود شرور را می‌پذیرند و سعی می‌کنند فایده‌ای برای شرور بیان کنند. این دسته طبیعتاً باید شرور ناشی از اختیار را از شرور طبیعی متمایز کنند؛ مانند نظریه جبران متکلمان مسلمانان (طوسی، ۱۴۰۷ق) یا نظریه رنج‌های نجات‌بخش مسیحیان؛

ج) آنها که وجود شرور را می‌پذیرند و سعی می‌کنند تا به آن وسیله خدا یا اوصاف او را زیر سؤال ببرند. تعدادی از مهم‌ترین پاسخ‌های ارائه‌شده توسط اندیشمندان و فلاسفه را می‌توان به این شکل بیان کرد که افلاطون قائل است که خدا علت نیکی‌هایی است که به ما رسیده و بدی‌ها علت‌های دیگری دارد (ژیلسون، ۱۳۶۶، ص ۲۰۱). در این نوع نگاه که قابل انتساب به بسیاری از متفکران است، برای تبیین علت وجود شرور درواقع انتساب اصلی و مستقیم آن به خدا نفی شده و از تبعات ناشی از طبیعت قدیم تلقی می‌شود (ژیلسون، ۱۳۶۶، ص ۲۰۱). همچنین در این نگاه جهان موجود بهترین جهان ممکن تصور می‌شود. اینکه جهان مشتمل بر خیرات و شرور را مشاهده می‌کنیم، چیزی

است که بهتر از آن کمّا و کیفاً قابل مشاهده نبوده است (قدردان قراملکی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۶). اغلب دین‌داران چنان‌که آگوستین و آکوئیناس همان گونه‌اند، بر این عقیده هستند که دعوت انسان‌ها به خیرات و مسئولیت داشتن وی بدون اختیار امکان‌پذیر نیست و این اختیار عامل بسیاری از شرور است؛ پس در جریان تکامل وجود شرور بد نبوده و شرور نیز خیر هستند (سلطانی، بی‌تا، ص ۹۹). برخی چون الهیات پویشی، فعالیت خداوند را انگیزشی و نه اجباری می‌دانند و برای او دو ذات اصلی و تبعی قائل هستند (باربور، ۱۳۹۴، ص ۴۷۳). به این صورت خدای الهیات پویشی که هویتی آمیخته با جهان دارد از خلق شرور مبرا می‌شود. برخی از مکاتب مانند ادیان کهن هند منکر وجود واقعیت خارجی عالم ماده است؛ پس شری نیست تا با صفات خدا ناسازگاری داشته باشد. فرقه معرفت مسیحی نیز چنین عقیده‌ای دارد. به نظر می‌رسد تنها در صورتی می‌توان تبیین کامل‌تری از شرور را انتظار داشت، که فرد دارای نوعی جهان‌بینی الهی استعلایی باشد و یا اینکه حداقل این نوع جهان‌بینی را محتمل بداند. معمولاً این نوع نگرش به دین‌داران کمک می‌کند تا به سؤالات خود پاسخ دهند. نگرشی که وجود خدا همراه با برخی اوصاف او را غیرعقلانی می‌داند نه تنها نمی‌تواند پاسخی در خور بیابد؛ بلکه هرچه تلاش برای توجیه و تبیین کند به نظر می‌رسد بر پرسش‌های آنان افزوده می‌شود. بسیار محتمل است در این وضعیت قدرت تحمل و چاره‌جویی فرد کاهش یافته و با سختی بیشتری می‌تواند کنترل زندگی فردی و میان‌فردی خویش را به‌دست گیرد؛ چراکه توصیف و یا درگیر بودن با آلام و رنج‌های دنیایی چهره نامطلوب و تاریکی به جهان می‌دهد و مشاهده گرسنگی و رنج انسان‌ها با هر نوع تبیینی غیراستعلایی نمی‌تواند مانع بدبینی شود (کریمی، ۱۳۹۳). تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام‌یک از پاسخ‌ها بهتر از دیگری است، شاید کار دقیقی نباشد؛ چون بسته به نوع نگرش، جهان‌بینی، علایق و کشش‌ها برای هرکسی پاسخی موجه‌تر خواهد بود. اما می‌توان گفت کدام‌یک از نظر علم تجربی بر اساس اثری که بر تقویت هوش هیجانی دارد برای افراد توان‌سازگاری با رنج‌ها و سختی‌ها را بیشتر می‌کند؛ زیرا نوع ادراک و پذیرش رنج و درد در تقویت هوش هیجانی مؤثر است (کریمی، ۱۳۹۳).

تاکنون مطالعاتی در زمینه عوامل مؤثر و مرتبط با هوش هیجانی به صورت کاملاً روان‌شناختی انجام شده است (کریمی، ۱۳۹۳؛ صیادی تورانلو و دیگران، ۱۳۸۶؛ رجبی‌پور مبین، ۱۳۸۹)، اما تفاوت این مقاله آن است که متمرکز بر آرای ارائه‌شده کلامی در پی یافتن ارتباط باور هریک از گروه‌های اعتقادی به مسئله شر با هوش هیجانی دارند، می‌باشد. در نتیجه نوع نگرش به شرور را به‌عنوان یکی از علل مؤثر بر هوش هیجانی بررسی می‌نماید. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده تاکنون در مورد نقش انواع اعتقاد به موضوع خیر و شر در هوش هیجانی پژوهش نشده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات است که آیا تفاوت معناداری از لحاظ هوش هیجانی در گروه‌های سه‌گانه معتقد به شر وجود دارد؟ فرضیه اصلی این است که میان گروه‌های مختلف معتقد به موضوع خیر و شر از نظر هوش هیجانی تفاوت معنادار وجود دارد. سؤال فرعی این است که مهم‌ترین پاسخ‌ها به مسئله شر را می‌توان در چند دسته جای داد؟ این سؤال به دریافت پاسخ سؤال اصلی کمک می‌کند تا تفاوت هوش هیجانی میان تلقی از شر موجود نشان داده شود. یافتن پاسخ از آن جهت اهمیت دارد که به اندیشمندان و محققان مسائل فکری می‌تواند برای

بررسی‌های دقیق‌تر دربارهٔ هریک از این نگرش‌های سه‌گانه به مسئلهٔ شر از نظر هوش هیجانی جهت داده ترغیب نماید و در نتیجه نگرشی مورد توجه و تأکید قرار گیرد که توانایی فرد در سازگاری با مقتضیات محیطی و فشار حاصله را افزایش دهد. مباحث میان‌رشته‌ای بین علوم انتزاعی محض مانند فلسفهٔ دین و کلام و علوم عینی‌تر مثل روان‌شناسی، از جهت دادن رویکردها و رهیافت‌های ملموس برای علوم انتزاعی بسیار لازم و کمک‌کننده است.

روش پژوهش

روش این پژوهش علی - مقایسه‌ای است. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر مادران دارای کودک معلول جسمی و ذهنی شهرستان مشهد می‌باشد. از بین مراکز توان‌بخشی کودکان ویژه، مادران مراجعان مرکز توان‌بخشی روزانهٔ الوند با روش نمونه‌گیری در دسترس بر اساس ملاک‌های رضایت شرکت‌کنندگان و حداقل دارای سواد با مدرک سیکل وارد نمونه شدند. حجم نمونه بر اساس قانون اشباع پاسخ‌ها در مصاحبه، ۷۲ نفر شدند و در مرحلهٔ بعد اعضای نمونه برای تدوین طبقه‌بندی بر اساس اعتقاد به هریک از پاسخ‌های سه‌گانه به شر بر اساس مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته به سه گروه معتقد به شر دسته‌بندی شدند. روش تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از طریق مصاحبه به روش تفسیری تحلیل شد. داده‌های حاصل پرسش‌نامه با توجه به عدم برآورده شدن برخی از پیش‌فرض‌های آزمون پارامتریک به روش ناپارامتریک کراسکال - والیس تحلیل شد.

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش از دو نوع ابزار کمی و کیفی، پرسش‌نامهٔ هوش هیجانی بار - آن و مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. علت انتخاب مصاحبه این بوده است که برای سنجش مسئلهٔ اعتقادی همچون شر علاوه بر اینکه پرسش‌نامه یا آزمونی در دسترس نبوده، مسائل پیچیدهٔ اعتقادی از این دست با مصاحبه بهتر قابل سنجش و ارزیابی می‌باشد. این مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده است. بر اساس مبانی نظری دربارهٔ شر ۱۰ سؤال با محورهای ذیل طراحی شد:

محوری که در پی یافتن نگرش کلی به مسئلهٔ مبتلا به (معلولیت فرزند) به‌عنوان شر بود؛ محوری که به دنبال تلقی شخص از فایده و سودمندی دنیایی و آخرتی مواجهه با شر موردنظر بود؛ محورهایی که در پی یافتن تأثیرگذاری شر موجود در باور و اعتقاد شخص مصاحبه‌شوندگان به خدا و تأثیر روانی وجود شر بر آنان بود. روایی این مصاحبه از نوع محتوایی است و برای افزایش روایی مصاحبه از دستگاه ضبط صوت استفاده شده است. همچنین یادداشت‌برداری دقیق و توصیفی، یکسانی محیط و رفتار مصاحبه‌کننده با همهٔ شرکت‌کنندگان نیز رعایت شده است. برای افزایش پایایی از روش توافق بین ارزیابان استفاده شده و پرسش‌ها توسط متخصصان در زمینهٔ الهیات و روان‌شناسی مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت.

پرسش‌نامهٔ هوش هیجانی بار - آن (۱۹۹۷)

این پرسش‌نامه شامل ۹۰ سؤال در پنج بُعد مختلف است که جهت سنجش میزان هوش هیجانی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. مقیاس اندازه‌گیری در این پرسش‌نامه نیز از نوع «لیکرت» می‌باشد. پنج بعد اصلی این پرسش‌نامه به ۱۵ مؤلفه تقسیم‌بندی می‌شوند تا وضعیت هوش هیجانی شخص به‌طور دقیق سنجیده

شود. در این پرسش‌نامه بعد درون‌فردی توانایی‌های شخص را در آگاهی از هیجان‌ها و کنترل آن مشخص می‌کند؛ بعد سازگاری بر انعطاف‌پذیری و توان حل مسئله و واقع‌گرایی فرد؛ بعد خلق‌وخوی عمومی بر نشاط و خوش‌بینی فرد؛ بعد میان‌فردی بر توان شخص برای سازگاری با دیگران و مهارت‌های اجتماعی و در نهایت بعد کنترل تنش‌ها بر توانایی تحمل تنش و کنترل تکان‌ها متمرکز است (جلالی، ۱۳۸۰، به نقل از: رجبی‌پور مبین، ۱۳۸۹). مطالعات درباره اعتبار آزمون بر اساس فرم‌های هم‌تا و محاسبه ضریب همسانی درونی، نشان می‌دهد این پرسش‌نامه از روایی و پایایی بالایی سود می‌برد. برای محاسبه پایایی ابزار گردآوری داده‌ها هم از روش‌های متفاوتی از جمله اجرای دوباره (بازآزمایی)، روش موازی (همتا)، روش تصنیف (دو نیمه کردن پرسش‌نامه و محاسبه همبستگی نمرات دو دسته) و روش آلفای استفاده شده است. همچنین ضریب آلفای کرانباخ برآورد شده برای پرسش‌نامه هوش هیجانی، ۰/۹۳ می‌باشد که نشان‌دهنده پایایی این پرسش‌نامه است (رجبی‌پور مبین، ۱۳۸۹).

روش اجرا

بعد از کسب رضایت از مدیر مرکز توان‌بخشی الوند و شرکت‌کنندگان، داده‌ها به روش متوالی جمع‌آوری شدند. ابتدا از اعضای نمونه توسط کارشناس ارشد روان‌شناسی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گرفته شد و داده‌ها تحلیل شد و سه گروه معتقد به شر برای مقایسه هوش هیجانی تشکیل شد؛ در مرحله بعد پرسش‌نامه هوش هیجانی بار - آن از افراد هر طبقه گرفته شد. برای تحلیل یافته‌های مصاحبه از روش تجزیه و تحلیل تفسیری استفاده شد. در این روش تحلیل، پژوهشگر درصدد است تا در حد امکان به آشکار نمودن پیام‌های نهفته در متن نوشتاری مصاحبه بپردازد (فرخزاد، ۱۳۸۴). متن مصاحبه رمزگذاری و مقوله‌بندی گردید؛ سپس مقوله‌ها در یک جدول تحلیلی قرار گرفت و محتوای آشکار و پنهان پاسخ‌ها استخراج گردید؛ به این معنا که نظر کلی هریک از پاسخ‌دهندگان با توجه به مجموعه پاسخ‌ها در یکی از زیر مجموعه‌های پاسخ‌های سه‌گانه به شر قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که مشاهده می‌شود در جدول (۱)، نمونه آماری به گروه‌های سه‌گانه به مسئله شر بر اساس مقوله‌ها تقسیم شده‌اند.

جدول ۱: تحلیل مصاحبه گروه‌های اعتقادی سه‌گانه به شر

مقوله‌ها	گروه‌ها
موهبت دانستن شر ندانستن رنج و سختی عدم شک به خدا و کفر و یاس	اعتقاد به تلقی اول به مسئله شر
عدم کفر و یاس اجر داشتن فایده داشتن موهبت نداشتن	اعتقاد به تلقی دوم به مسئله شر
کفر و یاس عدم اعتقاد به یکی از سوالات (اجر داشتن و فایده داشتن)	اعتقاد به تلقی سوم به مسئله شر

داده‌ها بعد کدگذاری در هریک از مقوله‌ها قرار گرفتند. برای نگرش گروه اعتقادی اول کدهای موهبت دانستن شر، شر ندانستن رنج، سختی و عدم شک به خدا و کفر و یأس در یک مقوله قرار گرفته است. گروه اعتقادی دوم به مسئله شر کدهای کفر و یأس از شر، اجر نداشتن، فایده نداشتن و موهبت نداشتن در یک مقوله قرار گرفته است. گروه اعتقادی سوم به مسئله شر کفر و یأس و عدم اعتقاد به یکی از سؤالات اجر داشتن یا فایده نداشتن در یک مقوله قرار گرفته است. نتایج مصاحبه دسته‌بندی گروه‌های سه‌گانه به مسئله شر را نشان می‌دهد.

داده‌های توصیفی جمع‌آوری شده توسط پرسش‌نامه هوش هیجانی بار - آن در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول ۲: آماره‌های میانگین، انحراف معیار، مینیمم و ماکزیمم نمرات

	N	Mean	Std. Deviation	Minimum	Maximum
EQ	۷۲	۳۰۰/۱۴	۴۴/۱۸	۱۸۸/۰۰	۳۹۳/۰۰
GROUP	۷۲	۱/۸۵	۰/۸۱۶	۱	۳

در جدول (۳)، میانه و میانگین هوش هیجانی به تفکیک گروه‌های سه‌گانه معتقد به شر گزارش شده است.

جدول ۳: میانه و میانگین هوش هیجانی گروه‌های سه‌گانه اعتقادی به مسئله شر

گروه‌ها	میانه	میانگین
گروه اعتقاد به تلقی اول شر	۳۳۰/۵	۳۲۵
گروه اعتقاد به تلقی دوم شر	۳۱۶	۳۰۷
گروه اعتقاد به تلقی سوم شر	۲۸۰	۲۷۷

نتایج آمار توصیفی به تفکیک گروه‌های سه‌گانه معتقد به شر نشان می‌دهد، گروه اول میانه ۳۳۰/۵ و میانگین هوش هیجانی ۳۲۵، گروه دوم دارای میانه ۳۱۶ و میانگین ۳۱۸ در نمره هوش هیجانی و گروه سوم دارای میانه ۲۸۰ و میانگین ۲۷۷ در نمره هوش هیجانی بوده‌اند. همان‌طور که نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد تفاوتی بین میانه و میانگین نمرات هوش هیجانی گروه‌های سه‌گانه اعتقادی شر می‌باشند، ولی برای تبیین معناداری تفاوت‌ها به دلیل اینکه مفروضه‌های آزمون تحلیل واریانس برآورده نشده است از آزمون معناداری آماری کراسکال - والیس استفاده شده است.

در جدول (۴)، میانگین رتبه‌های هر گروه در آزمون کراسکال - والیس گزارش شده است.

جدول ۴: آزمون کراسکال - والیس برای میانگین رتبه‌ها هوش هیجانی بین سه گروه اعتقادی به شر

	group	N	Mean Rank
EQ	۱	۳۰	۳۹/۵۲
	۲	۲۳	۳۹/۸۹
	۳	۱۹	۲۷/۶۳
	Total	۷۲	

طبق داده‌های جدول گروه دوم اعتقاد به مسئله شر با میانگین رتبه ۳۹/۸۹ بالاترین رتبه را دارد و گروه اول با میانگین رتبه ۳۹/۵۲ در رتبه دوم قرار گرفته است و گروه سوم با میانگین رتبه ۲۷/۶۳ در پایین‌ترین رتبه قرار گرفته است. در جدول (۵)، مقدار χ^2 دو و سطح معناداری آماری آزمون کراسکال - والیس گزارش شده است.

جدول ۵: معناداری آماری آزمون کراسکال - والیس

مقدار χ^2 دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۹/۲۱	۲	$P < 0.1$

با استفاده از داده‌های جداول (۴ و ۵)، آزمون کراسکال - والیس نشان داد که از نظر آماری تفاوت معناداری بین میانگین رتبه‌های هوش هیجانی گروه‌های سه‌گانه اعتقادی به مسئله شر وجود دارد ($P < 0.1$, $\chi^2(2) = 9.21$).

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، پژوهشگران به دنبال پاسخ به این سؤال بودند آیا تفاوت معناداری از لحاظ هوش هیجانی در گروه‌های سه‌گانه معتقد به شر وجود دارد؟ بر این اساس فرضیه اصلی پژوهش تدوین شد و مورد آزمون آماری قرار گرفت که نتایج آزمون معناداری آماری کراسکال - والیس نشان داد که تفاوت معناداری بین گروه‌های سه‌گانه معتقد به شر از نظر هوش هیجانی وجود داد. این یافته همسو است با بخشی از یافته‌های پژوهشی صیادی تورانلو و دیگران (۱۳۸۶) که نشان دادند بین هوش هیجانی و جهت‌گیری مذهبی و اعتقادی ارتباط معناداری وجود دارد؛ در نتیجه مسائل اعتقادی و مذهبی و نگرشی را می‌توان به‌عنوان عامل مرتبط با هوش هیجانی در نظر گرفت؛ زیرا معمولاً کسانی که هوش هیجانی بالایی دارند قابلیت سازگاری بیشتری با شرایط داشته و پذیرش مؤثرتری نسبت به مسائل و مشکلات اطراف خود دارند. این مسئله ریشه در نوع نگرش هر فرد به وقایع دارد و بررسی مؤلفه‌های هوش هیجانی این امر را تأیید می‌کند (گلمن، ۱۳۶۸). در اخلاق فضیلت‌مدار که اخلاق وحیانی در آن قرار می‌گیرد خوش‌بینی یا حسن ظن از مهم‌ترین معیارهای تخلق به فضیلت شمرده می‌شود، تا جایی که از بزرگ‌ترین گناهان هم سوءظن داشتن است و بدگمانی به خداوند بزرگ‌ترین گناه شمرده می‌شود. اینکه اخلاق وحیانی بر ممنوعیت یأس از رحمت الهی به این میزان ارزش‌گذاری می‌کند و یأس (سوءظن به خدا) را بالاترین گناه همسان با شرک می‌داند، نوعی تربیت جانبی را برای شخص در نظر می‌گیرد. تبیین این مسئله در اخلاق وحیانی بر پایه نگرش‌های عمیق‌تری در حوزه آگاهی به هستی و هستی‌بخش صورت می‌پذیرد. تقسیم‌بندی نوع نگاه‌های به شر که پاسخ سؤال فرعی این پژوهش مبنی بر اینکه نظرات درباره شر از پرسش‌شوندگان به چند دسته تقسیم می‌شود، حاکی از آن است که دسته اول از نگرش‌ها نوعاً شر را شر نمی‌پندارند؛ چراکه یک واقعه دردناک یا مکروه از نظر این گروه به‌خودی‌خود شر نیست یا علی‌رغم دانستن دور نمای شر، حقیقتاً خیر است یا اگرچه شر حداقلی است؛ اما لازمه خیر حداکثری است. شاید در نگاه اول این‌گونه به نظر برسد که این نوع نگرش به شر (وقایع دردناک و ناخوشایند) درواقع نادیده گرفتن

احساسات است و این نوع پاسخگویی با یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هوش هیجانی که شناخت احساسات و هیجان‌هاست، تلاقی دارد و نفی وجود آن باعث سرکوب احساسات می‌شود. نتایج مصاحبه و پرسش‌نامه مؤید آن است که رابطه بین شر ندیدن هر آنچه به نظر انسان سخت و زیان‌آور و در یک کلمه مکروه (شر) می‌باشد در افراد با هوش هیجانی بالاتر وجود دارد. پایه نگرش اول بر خوب دیدن جهان است. این پاسخ کاملاً خوش‌بینانه بر بستر نگرشی کاملاً مثبت و همدلانه نهاده شده است. این نگاه همدلانه همسو با معیارهای اخلاق فضیلت‌مدار و حیانی و نگرش‌های توحیدی به اوصاف خدا می‌باشد.

نوع پاسخ‌های دسته دوم نیز تأمین‌کننده و بستر بسیار مناسبی برای تحقق مؤلفه‌های هوش هیجانی در اختیار می‌گذارد. پذیرش شرور هرچند اندک و درک آزردهندگی و ناخوشایندی آن و درک حالات متفاوت شخصی مانند یأس و خشم در مقابل آنها از طرفی و درک و پذیرش بی‌فایده نبودن کوچک‌ترین مقدار از تحمل رنج و جبران شدن آن می‌تواند زمینه مناسبی را فراهم کند که قدرت تحمل را بالا برده و به اتفاقات و رنج‌ها معنا دهد و در مجموع مفهوم زندگی را برای انسان حفظ نماید. این نگرش که منطبق با آیات و حیانی بود: «فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نسا: ۱۹)؛ یعنی نگرشی که رنج را شر نمی‌دانست و در پرتو امر آزردهنده و مکروه به وجود موهبت الهی معتقد بود و باور داشت که این رنج برای او فایده‌ای داشته است، متعلق به دارندگان با بالاترین میانگین رتبه در هوش هیجانی می‌باشد. پایه این نگرش بر پذیرش نامطلوب بودن برخی وقایع است. ابتدای این ایده فکری را بر غایت‌دار و هدفمند بودن جهان می‌توان لحاظ کرد. این هدفمندی بر میزان ادراک از درد تأثیر می‌گذارد. این نوع نگرش نیز مطابق نگاه توحیدی درباره اسما و صفات خداوند است.

دسته سوم از پاسخ‌ها به مسئله شر به نفی مبدأ عالی خیر محض و یا به نفی محض بودن خیریت مبدأ و نفی اطلاع در اوصاف کمالی الهی می‌انجامد، که با یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هوش هیجانی که کنترل احساسات و هیجان‌ها و انجام بهترین نوع عملکرد در شرایط هیجانی از آن جمله است، تضاد دارد. نفی فایده‌مندی شرور در کنار عدم اعتقاد به خدای خیر محض انسان را در سردرگمی و بی‌پایه‌ای فرو می‌برد که در آن فضا نه می‌تواند به کنترل هیجان‌های خود از قبیل یأس، خشم و نفرت بپردازد و نه مجالی برای درک رفتار دیگران و حفظ رابطه ایجاد می‌کند. پایه نگاه سوم ادراک بدی و شر بدون هیچ تحلیل جانبی و غایت‌شناختی از علت وجود شرور می‌باشد. در این نوع نگاه در کنار ادراک درد و ناخوشایندی، وزن سختی و شر کاهش نیافته و بنابراین تعارض قطعی میان اعتقاد به وجود خدای خیر محض و وجود چنین وقایعی ایجاد می‌شود.

اگر سازگاری مفاهیم اخلاق فضیلت‌محور و حیانی را با باور به خدا و خیر بودن صفات او کاملاً همسو بدانیم، این نوع نگرش به مسئله با اخلاق و باور دینی تعارض دارد. بررسی هوش هیجانی هر فرد که دربردارنده میزان سازگاری و کنار آمدن شخص با شرایط موجود می‌باشد نیز تحت تأثیر نگرش واقع می‌شود.

در این پژوهش معین گردید که نگرشی که منطبق با مفاهیم تبلیغ‌شده در ادیان توحیدی هستند؛ مانند این آیه «فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹)؛ یعنی رنج را شر نمی‌دانست و در پس یک مسئله ناخوشایند و غیردلخواه موهبت و لطف الهی را می‌دید که برای او فایده‌ای دیگر به‌طور نهان یا آشکار داشته است، متعلق به دارندگان بالاترین هوش هیجانی بود.

اگرچه تاکنون مطالعات متعدد روان‌شناختی بر تأثیر نگرش و عاطفه بر عملکرد افراد انجام شده است؛ اما چنان‌که بیان شد تفاوت این مقاله با سایر کارها در وجهه میان‌رشته‌ای بودن آن است. درواقع طرح مسئله بر اساس سنجش کارآمدترین پاسخ کلامی به مسئله شر تنظیم شده است و می‌توان نتایج تحقیقات صرفاً روان‌شناختی را مؤید این نتیجه قرار داد؛ چراکه مسئله شر یکی از مهم‌ترین بخش‌های الهیات، یعنی اعتقاد به صفات خدا می‌باشد و در برخی مواضع به اثبات وجود خدا نیز پیوند می‌خورد؛ چنان‌که در نظر برخی از فلاسفه دین وجود خداوند به واسطه وجود شرور و سختی‌ها به چالش می‌افتد؛ ازاین‌رو در مباحث کلامی بحث‌های دامنه‌داری در این باره پیش آمده که درازایی به قدمت تاریخ تفکر بشری دارد. با توجه به پژوهش‌های مذکور که بیان می‌کند شناخت و عاطفه موجب بروز تفاوت‌های معنادار، قابل مشاهده و پایدار در زمینه عملکردهای افراد می‌شود، پیشنهاد می‌شود در مراحل آموزش جوانان و نوجوانان، بر مسئله شرور و علت ایجاد آنها و تبیین جهان‌بینی استعلایی مبتنی بر قدرت و حکمت خداوند تأکید شود.

محدودیت‌های پژوهش

از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش، درونی بودن باورها و زمان بردن برای تفهیم مسئله بود. یافتن باور درونی فرد و انعکاس درست آن در قالب زبانی توسط شرکت‌کنندگان در مواردی به کندی صورت پذیرفت؛ برخی نیز علاقه‌ای به ابراز عقیده خویش نداشتند.

منابع

قرآن کریم.

- آقایار، میروس و شریفی درآمدی، پرویز (۱۳۸۶). هوش هیجانی. تهران: سپاهان.
- باربور، ایان (۱۳۹۴). علم و دین. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی. تهران: نشر دانشگاهی.
- رجی‌پور، مهد علیرضا (۱۳۸۹). بررسی رابطه میزان اعتقاد به مبانی دینی و هوش عاطفی کارکنان در دانشگاه یزد. *نامه آموزش عالی*، ۱۲۷-۱۳۳.
- ژیلسون، اتین (۱۳۶۶). *روح فلسفه قرون وسطی*. ترجمه علیمیراد داوودی. تهران: علمی و فرهنگی.
- سلطانی، ابراهیم (بی‌تا). *کلام فلسفی (مجموعه مقالات)*. بی‌جا: بی‌نا.
- صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). *شرح اصول کافی*. ترجمه محمد خواجهی. تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صیادی تورانلو، حسین و دیگران (۱۳۸۶). بررسی رابطه اعتقاد به آموزه‌های مذهبی اسلام و هوش هیجانی دانشجویان. *اندیشه نوین دینی*، ۳(۱۱)، ۱۴۵-۱۷۵.
- طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۷ق). *تجريد الاعتقاد*. تهران: مکتب الاعلام الاسلامی.
- فتی، لادن و بوالهیری، جعفر (۱۳۷۸). بررسی تابو بالینی اختلال وسواس فکری - عملی در تهران. *مجله علوم پزشکی ایران*، ۲، ۱۴۰-۱۵۲.
- فرخزاد، پرویز (۱۳۸۴). *راهنمای پژوهش تاریخی - کتابخانه‌ای*. تهران: طهوری.
- قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۷۷). *خلا و مسئله شر*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- کریمی، فاطمه (۱۳۹۳). رابطه اعتقادات دینی و هوش هیجانی در دانشجویان. *راهنمای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۲۱-۱۲۶.
- گلن، دانیل (۱۳۸۶). هوش هیجانی. ترجمه نسرين پارسا. تهران: رشد.
- Hick, J. (1990). Rational Theistic Belief without Proof. In P. Badham (Ed), *A John Hick Reader*, Philadelphia. PA: Trinity Press International.
- Hick, j. (2010). *Evil and the God of Love*. Palgrave Macmillan: London.
- Rowe, William L. (1979). The Problem of Evil and Some Varieties of Atheism. *American Philosophical Quarterly*. 16, 335-41.